

# حقیقت

۲۶ خرداد ۱۳۵۹

شماره ۲۶۵

ایم. حزب  
دمکرات در خدمت  
مالکین فتودال

اعلامیه دهقانان روستای گول قاضی صوبه ای اسرار ساس  
ارضی حزب دمکرات کردستان، سیاسی که در مقابل حساس  
دهقانی ۲ سال اخیر میهن مان، که بمصافه راه اراضی مالکین  
پرداخته، موضع گیری نموده و خواهان باریس گرسن رسمهای  
فتودالی است :

مردم شما شاهد باشید!

ما اهالی روستای " گول قاضی " حومه مها با ما نماند  
تمام مردم ایران بسهم خود در قیام شرکت نموده ایم : تا مانند  
تمام خلقهای ایران از زیرستم و ظلمها شویم و به آرزوهای  
دیرینه خود که راه شدن از زیرستم مالکین و فتودالیهای  
ظالم و خونخوار میباید بدورسیم . ( بقیه در صفحه ۲ )

## بنی صدر چماقداری و دیکتاتوری

ما همدخلق است میآئیم در  
تلویزیون بحث میکنیم  
مردم هم میشوند دنیا آنها راست  
مگویند ما میپذیریم یا ما  
( بقیه در صفحه ۲ )

آقای بنی صدر، رئیس  
جمهور، اخیرا در یک مصاحبه  
مطبوعاتی نکاتی درباره  
چگونگی برقراری "امنیت"  
"جوتنا مساعد" موجود در  
جامعه و شرایط فراوانی که  
در مورد " کودتا " وجود  
دارد و ... صحبت کردند و  
البتة راه حل های کلی نیز  
در این مورد ارائه دادند.  
ما به اختصار برخی از نکات  
مصاحبه بنی صدر را بررسی  
مکنیم.

بنی صدر با اشاره به  
بیدیه " چماقداری " که  
ناید به ترو علمی تربیتوان  
آنها گرایش آشکار فاشیستی  
برای نابودی آزادیهای  
دموکراتیک نام نهاد اشاره  
کرده و میگوید: " یک  
سوفای اتحاد کردیم برای  
حل مسائل معددی که همان  
باری از هر طرفی باشد ...

خسروخان  
قتقائی

## کنفرانس سازش با آمریکا

" هنری کسینجر در مورد هیات دهنفری که به ایران سفر  
کرده اند اظهار داشت که آنها روی یک برنامه حساب شده ای  
به ایران سفر کرده اند و امیدوار است که نتایج مطلوب  
از آن حاصل گردد. ( اطلاعات ، ۱۸ خرداد ۱۳۵۹ )

کنفرانس و مباحث گوناگون  
اطراف آن روشنگرانیست  
واقعیت است . کنفرانس های  
بین المللی بمنظور محکوم  
ساختن جنایات آمریکا در  
ایران بخودی خود هیچ عیب  
و اشکالی ندارند، اما بشرط  
آنکه اولاً شرکت کنندگان در  
آن حقیقتا نماینده جنبشها  
و ملت های ستمدیده جهان  
باشند و نه نماینده دولت

از همان اول معلوم  
بود که از " کنفرانس بین  
المللی مذاکلات آمریکا در  
ایران " چیزی بر نخواهد  
خواست و این کنفرانس  
محلی خواهد شد برای ارائه  
طرحهای سازشکارانه و خیانت  
آمیز بمنظور ضربه زدن به  
سازره بزرگ ملت ایران  
بر علیه امپریالیسم آمریکا .  
قطبنا مه صوبه ایست

### در این شماره

- جاودان با دخالطه، رسمی  
شهید کاک تا در خدا مراد بسور  
صفحه ۱۲
- نکاتی درباره، سودجده ۱۳۵۹  
صفحه ۱۲
- حمله چماقداران به مها هدی  
خلق  
صفحه ۱۲
- برگزاری بیروز سندان کنگره  
اتحادیه شوراهای سازمان  
گسترش صنایع  
صفحه ۱۲
- با سرنوشت مردم افغانستان  
معا مله نمی شود کرد  
صفحه ۷

مزدور و وابسته و حتی عوامل  
آشکارا امپریالیسم آمریکا و  
ثانیا " در خدمت تمسقی و  
گسترش مبارزه ضد امپریا -  
لیستی باشد و نه ابزاری جهت  
( بقیه در صفحه ۲ )

شوراهای کارگری تحت حمله  
( ماشین سازی تبریز )  
صفحه ۶

نماینده مردم اقلید نیست!  
صفحه ۶

# حقیقت

اسلامی " نیست که به است این حرکت قرار دارد، بلکه در درجه اول و بیش از هر کسی دیگر امپریالیسم و ارتجاع ضربه خورده

## بنی صدر، دیکتاتوری...

(بقیه از صفحه اول)

راست میگوئیم - فدائی خلق است بیاید بحث میکنیم. با چاق غیر از اینکه کمک کنیم به رشد اینها کاری از پیش نمی بریم... (اطلاعات ۱۲ خرداد ۱۳۵۹) و سپس ادامه میدهد که اینگونه اعمال "جوراننا مساعد" نگاه میدارد و "این غیر از تشویق تمام بیلات فاشیستی هیچ اثری بوجود نمی آورد" و تاثیرات این امر در جامعه بوجود آمدن روحیه ای در میان مردم است که بنی صدر آنرا "دیکتاتوری محبوب" می نامد؛ بدترین و خطرناکترین نوع دیکتاتوری، دیکتاتوری محبوب است و جامعه ای که دیکتاتوری مطلوب را بطلد بدمسار است... (همانجا).

"چماقداری" که از بعد از انقلاب به یک پدیده تقریباً روزمره در جامعه ما پدیدار گشته است و از ابتدا تحت لوای "حزب الله" به فعالیت پرداخت، هدف اصلی خود را نیروهای انقلابی و مترقی و ناسودی آزادیهای دموکراتیک به خون بدست آمده قرار داده است. پشتیبانان سیاسی آن در لحظه کنونی بیشتر از هر جای دیگر خود را در "حزب جمهوری اسلامی" جا داده اند. و این حزب و ارگان مطبوعاتی آنست که فعالیتهای فداآزادی این دارودسته را بنام " مبارزات مردم" جا میزند. ولیکن فقط این "حزب جمهوری

ایران به این حرکت دام ن زده و از بین بردن دستاورد های انقلاب و آزادیهای دموی کراتیک را سرآغاز زهموار شدن راه بازگشت تمام و کمال خود می بینند و می دانند. بی دلیل و بی جهت نیست که سر دسته های گروههای چماقدار معمولاً از ساواکیهای ریش گذاشته و "مسلمان شده" می باشند. باند حزب جمهوری اسلامی که گرایش مشروعه گری ارتجاعی را نماندگی میکند و حرکت انحصار طلبانه ای را برای قلع و قمع نیروهای انقلابی و مترقی و قبضه کردن قدرت در دست خود از همای فردای قیام آغاز کرد، "چماقداری" و بر اه انداختن دارودسته های لنین را به منابه شیوه کار و سیاست خود انتخاب کرد. "چماقداری" و بر اه انداختن اینگونه دارودسته های شبه نظامی - شبه فاشیستی، شیوه کار فاشیستهای نوع آمریکایی و اروپائی و فنودال مسلکها مستبدشوع آسیایی است. در تاریخ ایران نظیر این دارودسته ها فراوان بودند و میتوان به جریانات فاشیستی چون "سومکا" در سالهای ۲۲ - ۲۵ اشاره نمود. همانطور که بنی صدر میگوید، یکی از عوارض این شیوه، سوق دادن مردم بسوی طرز تفکر "امنیت خواهی" و قبول "دیکتاتوری محبوب و مطلوب" می باشد و همانطور که گفتیم

بیشترین سود و بهره را از این "جونا مساعد" فقط و فقط امپریالیسم و ارتجاع خواهد برد.

البته در کنار این پدیده آشکار "چماقداری" باید از سلب آزادی های دموکراتیک از طریق ارگانهای دولتی و نیمه دولتی نیز نام برد. از توقیف مطبوعات مترقی و بریدن ۳ تا ۶ ماه حبس برای فروشندگان اینگونه نشریات، از محاکمات قلبی و سریع انقلابیون در کردستان و خوزستان و سایر نقاط و اعدامها و حبس های طویل المدت و... که همه و همه مکمل "چماقداری" در بوجود آمدن "جونا مساعد" میباشند. نکاتی که بنی صدر ترجیح داده است از آنها حرفی به میان نیآورد.

نکته ای که ما بر آن تا کید داریم نه شیوه از بین بردن آزادیها و همراه با آنها انقلاب بلکه محتوی و مضمون و سیاستی است که پشت آن خوابیده است. اختلاف بنی صدر با دارودسته رقیب، حزب جمهوری اسلامی، نه در محتوی و مضمون بلکه در شیوه، به انجا رساندن است. بنی صدر به اسم خودی جوراننا مساعد نگاه میدارند... انتقاد دارد. انتقاد او اینست که شیوه های ما هرانه ترو پیچیدگی تری نیز برای "مهارد" ساختن نیروهای انقلابی و مترقی موجود است، بیآئید آنها را بکار ببندیم!! بنی صدر با اشاره به چریکیها و مجاهدین میگوید: "با چاق غیر از اینکه کمک کنیم به رشد اینها کاری از پیش نمی بریم..." بنی صدر هم مانند حزب جمهوری اسلامی از رشد مجاهدین و فدائی ها و سایر نیروهای انقلابی خوشحال نیست و از آن بیم دارد، و میخواهد جلوی رشد آنها را بگیرد، ولی

به احما و بلکه "حسب آزاد"، با کسان آنهاست محاری زمره سی و بارلما - ناریسی، بهار طربسوی شیوه های فنودالی و امپریالیستی استبدادی، بلکه با شیوه، پوشیده، بورژوازی! منظور ما این نیست که بنی صدر فقط بر پهنه مکی مرکز! او بر سر نیزه نیرمکی است. اگر او در تهران به "مجاهدین" و "فدائیان" روی خوش نشان میدهد و ما یک پهنه ای را به چهره میکشد، در کردستان پاشنه آهنس را یکا رمی بندد و اوستی حرار شاه پرورده را گسیل میدارد. جنبش انقلابی ایران باید در مقابل هردو شیوه، قلع و قمع، خودآ ماده باشد. هم از توهمات رویزیونیستی و رفرمیستی خود را برهانند و اختلافات درونی هیات ها - که را بدان سطح از اهمیت ارتقاء ندهد که خود با زیجه، دست یکی از طرفین شود، و گول و فریب "مباحث آزاد" بنی صدری را نخورد. هم در مقابل تیغ برنده بورژوازی و مشروعه چیان از دستاورد های انقلاب دفاع کنند. پیچیده است و سیاستها و تاکتیکهای آگاهانه و با شناختن عمیق را لازم دارد، چپ روی ها و راست رویهای رایج در جنبش انقلابی سخت برای انقلاب و نیروهای انقلابی مرگبار است. بگذریم و به بنی صدر و ما حشش بپردازیم. بنی صدر میخواهد این چنین جلوه دهد که گویا فقط این "چماقداری" است که زمینه، رشدیک دیکتاتوری خشن و بقول او "محبوب و مطلوب" را فراهم میآورد، و فقط این گونه اعمال فاشیستی است که جامعه را

# حقیقت

## بنی صدر، دیکتاتوری

(بقیه از صفحه ۲)

تخطئه حرکت مردم برای تامین مسکن و ... که آقای بنی صدر همه را تحت لواء "امنیت" میکوبند

"بیمار" می نماید. یکی از عوامل همین شیوه منحص از بین بردن آزادیهاست ولی همه قضیه نیست. بنی صدر روشن نکرده است که چه کسانی مسئول این امر هستند که یک جامعه سالم و انقلابی را در عرض ۱۵ ماه بسوی "بیماری" سوق داده اند؟ بنی صدر از زیر این مسئله مهم فرار میکند، چون در شیوه و عمل سیاستهای خود او و همدمستان و همفکرانش نیز عوامل رشد این "بیماری" موجود است.

فقط "چماقداری" راه بازگشت امپریالیسم و رتجاع را چه به شکل "دیکتاتوری مطلوب و محبوب" و چه به شکل نامحبوب و نامطلوب آن (که فرق اساسی و ماهوی با هم ندارند) را هموار نمی کند. جلوگیری از رشد انقلاب تظاهرات و تقویت ارتش فاسد محمدرضا شاهی، چه از طریق تبلیغات و چه از طریق عمل مانند گسیل آن به کردستان، بازگذاشتن دست ما و کپیها چه از طریق "عفو" خمینی و چه از طریق بخدمت گرفتن آنها بخاطر "تخصی" هاست. نشان، جلوگیری از جاری شدن حرکت انقلابی توده های مردم چه از طریق سرکوب شوراها یا کارگری و چه از طریق مشروعیت بخشیدن به مالکیت های فئودالیسی و کمپرادوری و مهربا ظل زدن بر مبارزات کارگران و دهقانان، و چه بصورت

و تدارک دقیق، کودتای "پیروزمند" بعید است. به همین لحاظ است که مردم بیش از اینکه در این دوران بفرمقا ببله با خود کودتا باشند باید در جهت از بین بردن زمینه های کودتا حرکت کنند. در درجه اول باید حساب ارتش را پاک کنند. ارتش عامل اصلی کودتا است، بدون محاکمه و مجازات سران سرسپرده ارتش، بدون ایجاد یک ارتش توده ای و خلقی که متکی بر خلق مسلح باشد امکان پیشبرد موفقیت آمیز انقلاب و جلوگیری از کودتا ناممکن است. مردم باید دستیاران امپریالیسم و پایگاههای اجتماعی آن را

از جامعه پاک کرده و از بسین ببرند. بدون خلق یساز کمپرادورها و وابسته و فئودالها و ملاکان بزرگ، بدون گسترش جنبش دهقانی و تقویت شوراها یا کارگری و دهقا نی و توده های امکان پیشبرد انقلاب و جلوگیری از بازگشت دیکتاتوری ناممکن است. عمل ساواک که امروز از برکت "عفو" آیت الله خمینی و سیاست سازشجویانه دولت در جامعه ول میگردند و شبکه های ضد انقلابی خود را سازمان میدهند، میبایستی سریعاً شنا مائی شده، اساسی آنها به اطلاع ملت برسد و به مجازاتهای درخور بقیه در صفحه ۱۰

## مردم شما شاهد باشید

بقیه از صفحه اول

شما مردم مبارز و دهقانان ستمدیده بهتر از هر کسی می دانید که در مورد زمین چه ظلمهایی از طرف اربابها با پشتی بانی رژیم از بین رفته پهلوی بر ما روا داشته اند. اکنون مدتی است ما اهالی روستای گول قاضی بنا به سندی که در دست داریم و از طرف حزب دمکرات کردستان ایران "کمیسیون زهوی وزار" هم تائید شده است اقدام به پس گرفتن زمینهای غصب شده خود کرده ایم. مسئولین این کمیسیون بارها حق به جانب ما داده و نزدیک به سه ماه است که به حزب دمکرات کردستان شکایت کرده ایم در نتیجه در تاریخ ۵۹/۳/۱ ملا محمد عجم مسئول حزب دمکرات در منطقه با چند نفر سرگه وارد روستای "گول" شد. ما انتظار داشتیم که حق ما را از مالکین پس بگیرد ولی او برعکس انتظار ما عمل کرد و بجای اینکه حق را برای ما برآورد کند، ما را زیر فشار و تهدید گذاشت و میگفت: شما بیدروی حرف من حرف بزنید و بنا به بدبختی شما زمین خود را بخواهید. اگر قبول نکنید با توپ (۱۰۶) به شما می قهوه لانیم و تهدیدات دیگر.

در اینجا از مردم شرافتمند و ستمدیده اطراف ما بسیار میخواهیم خود قضاوت کنند، آیا انقلاب ما بخاطر این بود که وضعمان بدتر از زمان شاه شود؟

ما اهالی روستای گول قاضی از این تاریخ اعلام می کنیم که در مورد پس گرفتن زمینهای خودمان که به روز غصب شده است پا برجا هستیم. و هرگونه حادثه ناگوار و خونریزی و غیره که در منطقه اتفاق بیفتد مسئولیت آن مستقیماً بعهده ملا محمد عجم مسئول حزب دمکرات در منطقه خواهد بود. و از تمام مردم و سازمانهای مرفقی میخواهیم از این عمل انقلابی ما پشتیبانی کنند.

اهالی روستای گول قاضی

زمین و زراعت

نیز راه را برای رجعت دیکتاتوری هموار میکنند و اتفاقاً از پایه های اصلی هموار کردن این راه خطرناک و مرگبار هستند. این "امنیت" خواهی کذائی که فقط آقای بنی صدر آنقدر به آن مبتلا نیستند، مرض خطرناکی است که در پشت آن امپریالیسم و رتجاع بر احوالی میتوان ندانند. آقای بنی صدر آنقدر فکر و ذکرش در اطراف "امنیت" دور می زند که حتی عامل اصلی گرانی را نیز "امنیت" میدانند! "اول چیزی که برای پائین آوردن قیمتها لازم است امنیت است." (همانجا). بنی صدر در جای دیگری در مورد شایعات رایج و فراوانی در مورد "کمیونیت کشی" و "مجاهد کشی" خرد اما و احتمال وقوع یک "کودتا" میگوید: "کودتای نظامی خیال نمی کنم بشود، کودتا همیشه چیرهاست ... و منظوری از "همین چیزها" چنان قدریها و بلواهای حزب جمهوری اسلامی است که بنی صدر همه آنها را متوجه خود میدانند و با حداقل می خواهد این چنین جلوه دهد. اینکه در این دوران احتمال کودتای نظامی ضعیف است (ولی نه غیر ممکن) راست است، ولی خود کودتا آنقدر مهم نیست که بخواهیم آن را در زمین و تدارک کودتا، چرا که بدون زمین و تدارک

# حقیقت

نکست مواجیه سدوا ونا  
ترکیه بیسنرتوانس  
بیشروی کندوا زهما ن  
جابه خدمت اربا باس  
در کاخ سفیدبرکست.

## کنفرانس سازش...

(بقیه از صفحه اول)

منصرف ساختن یا خاموش کردن آن . کنفرانس اخیر نه تنها بر اساس ایندو شرط برگزار نشد، بلکه برعکس، با جمع آوری عدهای از نمایندگان دول امپریالیستی وپا وابسته ومرتجع درکنسار برخی از نمایندگان دول مترقی و جنبش های آزادی بخش وهمچنین ارائه قطعنامه ها و مباحث یکدست سازش - کارانه و فدا نقلابی در جهت خاموش ساختن آتش مبارزه ضد آمریکا بی ملت ما، ابزاری بود، برضد منافع مردم ما و بیجاست تا از جانب همه مردم آزاد میخواه محکوم و منفسور شناخته و از گردانندگان و مبتکران آن بازخواست گردد.

در رأس هیئت نمایندگان کی " مردم " آمریکا شخصی سنا زمزی کلارک قرار داشت که در فرار با " جناح بیگانه " یعنی همه " تهدیدات " و " جریمه های " کاخ سفید پرداخته، بمنظور دفاع از مردم ایران " به کشور ما آمده است . رمزی کلارک برای مردم ما نام نا آشنا نشی نیست، او همان کسی است که درست پس از اشغال جاسوخانه آمریکا، بعنوان نماینده کارسرو کاخ سفید همراه بسا شخص دیگری راهی ایران شد تا مواجبات آزادی جاسو - مار و باس منافع امپریالیسم آمریکا را همراه آورد. سفاول او با مخالفت صریح و بجای آن بالله حتمی سا

اووزیر دادگستری اسبق آمریکا و نماینده یکی از جناحهای حکومتی امپریالیسم آمریکا است که با نقاب " حقوق بشر " و " لیبرالیسم " میکوشد، در مواردی که چهره کریه امپریالیسم آمریکا بر همگان آشکار شده قدم به پیش گذارد و منافع غارتگرانه امپریالیسم آمریکا را به شیوه ای " بشردوستانه " تا مین نماید . همین رمزی کلارک دوره دوران اقامت خمینی در پاریس، با زبانه عنوان نماینده کارتر به حضور او رسید و کوشید تا برای منافع آمریکا وساطت نماید . باید پرسید که سرمداران " دولت انقلابی " به چه مجوز و حقی ، حتی اجازه ورود میدا ایران را چه جنبش مردمی داده اند، چه رسد تا اینکه از او بعنوان رئیس هیئت نمایندگان مردم آمریکا " پذیرائی گیند، ملت ما جاسوسان آمریکایی را در گروگان خود دارد و خواستار محاکمه و مجازات آنهاست، اما دولت، از یک جاسوس سرشناس و شناخته شده، آمریکا ئی پذیرائی میکند و از او استقبال می نماید . اینکار نه تنها یک توهین و خیانت بزرگ به ملت و مبارزه بزرگ ضد امپریالیستی مردم ما است، بلکه توهین و خیانتی نبره ملت مبارز آمریکا نیز بشمار میرود، زیرا نماینده امپریالیسم آمریکا را به

عنوان نماینده ملت آمریکا ایسکه آمریکا با بعضی در اقدامات ناموسی اسرائیل کرده اند . از همین نمونه، رمزی برای اسروداد ما وجود کلارک، تصویر روسی اسروداد ما وجود کتب سرکت کنندگان در اسس بارکارانند، مردم ما کذا را سا: کنفرانس گذاشی بدست می - میان آمریکا و اسروداد ما آید. زما مداران کشور، مردم ما را چه تصور کرده اند؟ چند هفته قبل از سه نفر اسروداد ما اسطلل سوسالست " بدست می گردیدند، لکن به مردم ما نگفتند که این " اسطلل سوسالیست " همان بیسن اسطللی است که خانم کدما - ییر، سرمدار بدرک و اصل شده اسرانیل و دشمن و جلاد خلق قهرمان فلسطین از اعضاء و کادرفعال و رهبری آن بوده است، به مردم ما نگفتند که " صدا عظم " اسبق امپریالیسم آلمان، از رهبران آن بوده و هست و این " بیسن اسطلل سوسالیست "، هیچ پایگاه مردمی نداشته و بلکه تجمعی از نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی است . حالا هم از رمزی کلارک و امثالهم بعنوان " نماینده ملت آمریکا " و " بدشتمیان مردم ایران " پذیرائی میکنند و حقایق را از مردم ما مخفی نگه میدارند . از اینها که بگذریم باید به قطعنامه صادره از جانب این کنفرانس دقت کرد و در اطراف مباحثی که چرا امون این کنفرانس مطرح شده است دقیق شد . از مباحث قبیل ماحافل سازش کار در " جمهوری " راه حلش بوده اند، بیسن بدستها قبل بشرط بر سرای آزادی جاسوسان آمریکایی عنوان کرد، اول ایسکه آمریکا " قول " بدهد که در امور داخلی ایران دخالت نکند " دوم اینکه به جناحیات خود را بر ایران " اعتراف کند و سوم هم

(بقیه در صفحه ۵)

کنفرانس سازشی

(بفیدار صفحه ۴)

آمریکا مسودیکمیتی  
سرسرداردوآن این  
کدآنیاسا بمحاکمه  
ومحازات سوبرسرا  
محاکمه ومحازات حا-

سوسان روشی " خصمانه " ،  
" غیرمسالمت آمیز " بوده  
وبقول بنی صدر این محاکمه  
" عواقبی دربردارد که به  
صلاح مانیست " ( اطلاعات  
۱۹ خرداد ۱۳۵۹ ) ویا بقول  
مدنی مکار " بمودما تصام  
نشده " وما رادردنیا " به  
عنوان ملتی قانون شکن  
می شناساند ( همانجا ) .  
این کنفرانس قطعنامه و  
نتایج آن زمینه وتدارکسی  
است جهت به سازش کشانیدن  
مبارزه مردم ما بر علیه امپری-  
الیسم آمریکا و این راهمین  
رمزی کلارک نیز به صراحت  
به هنگام مبارز گشت به آمریکا  
گفته و اعلام کرده است که  
گروگانها بزودی " بنحوی  
مسالمت آمیز " ، " آزاد "  
خواهند شد و همچنین " حضور "  
اودراین کنفرانس " زمینه  
مساعدی " جهت تصویب این  
قطعنامه بوجود آورده است .  
می بینید ! حضور نماینده  
کارتر " زمینه " مساعدی "  
برای خیانت به منافع مردم  
ما بوجود آورده است و انتظار  
هم جز این نمی رفت . در همین  
جا گفتن دارد که روزنامه های  
ایران ، هیچکدام همسه  
سخنرانی رمزی کلارک را که  
در کنفرانس ایراد شده بود  
وبویژه آن بخشی که مربوط  
به پافشاری بر " آزادی فوراً "  
جاسوسان آمریکائسی و  
" محکوم " کردن گروگان -  
گیری " ودانشجویان دارد  
چاپ نکردند و دست در دست  
سازشکاران کوشیدند تا

آمریکائی است که سالها بر  
علیه ملت ما جنایت می -  
ورزیدند و بشیوه ای کاملاً  
غیر " مسالمت آمیز " عمل  
میکردند ، یکی از این " مسا-  
ئل " سرنوشت رابطه میان  
ایران و آمریکا است ، رابطه -  
ای که میان ستگروستمدیده  
بوده و هیچ " مسالمتی " هم  
در آن وجود نداشته و همیسن  
بس که محصول آن برای ملت  
ما فقط در طول کمتر از دو سال  
هفتاد هزار شهید و صدها هزار  
زخمی بوده است . یکی از این  
" مسائل " غارت تمام ثروت -  
های کشور ما در طول سالها از  
جانب امپریالیسم آمریکا -  
ست که به نجات تمام گروگانها  
و محرومان همه کودکان و  
مردمی که از هلاکت ناشی از  
این غارتگری تلف شده اند  
هیچ " مسالمتی " نداشته  
است . میان غارت شده و  
غارتگر ، میان قاتل و  
مقتول ، میان ستگروستیم -  
دیده هیچ رابطه " مسالمت -  
آمیزی " نمیتواند وجود  
داشته باشد و " مسائل " میان  
آنها سیر راه حل " مسالمت  
آمیز " ندارد . همان هائی  
که در گذشته میخواستند ،  
" مسائل " میان مردم ما و  
رژیم شاه بنیوه " مسالمت  
آمیز " حل شود ، امروز می -  
خواهند تا " مسائل " میان  
مردم ما و دشمن اصلی شان  
امپریالیسم آمریکا تیرسه  
شود " مسالمت آمیز " حل  
شود . این بنیاد آنجا که  
مربوط به سرنوشت جاسوسان

حقایق را از مردم ما پنهان  
دارند . اسارت جاسوسان  
مردم ایران ، هوسار  
و آگاهانید ، سازشکاران  
دارند که مبهگام طرح خود را در  
خیانت به مبارزه ، مدا میسر -  
بالیستی شما و منافع شما  
بیاده میکنند و در این راه از  
مماشات بانمایندگان کارتر  
هم با ندارند . باید برخاست  
وجلوی این سازش و خیانت  
را گرفت . در این میان جا  
دارد که به ما نورهای مکارانه  
دارودسته بهشتی نیز اشاره -  
ای بکنیم و بر ضرورت هوشیاری  
در برابر آن اصرار ورزیم .  
همین بهشتی که دیروز در  
پاسخ به خبرنگار نشریه  
امپریالیستی نیوزویک  
گفته بود " مسئله محکومیت  
مهم نیست . اعتقاد من این  
است که مردم خواهان محکوم  
شدن گروگانها نیستند . "  
( نیوزویک ۱۹ مه ۱۹۸۰ ) .  
امروز بمنظور فریب مردم و  
پیشبرد منافعی در رقابت با  
بعضی بدردم از مخالفت با این  
کنفرانس زده و حزب جمهوری  
اسلامی او شرکاتش به مخا -  
لقت با آن برخاسته است .  
این حرفها همه دروغ و ریا -  
کاری است و هدفش فریب  
مردم است ، زیرا دارودسته  
بهشتی و شرکاء از روز اول مخا -

ادامه ورشد و تصمیم  
مبارزه ، خدا مهربالیستی و  
تأمین منافع اساسی مردم  
در این نبرد بزرگ حکم  
میکند که برای قبیل کنفرانس  
سها که هدفی مگر کشانیدن  
مبارزات مردم ما به مجرای  
سازشکاری و حرافی های  
خیانتکارانه ندارد دست رد  
زده شود و با قدرت و تصمیم  
هر چه شدیدتری بر تحقق خوا -  
سته های ملت در قطع  
وابستگی ها و افشاء و لغو  
کلیه قراردادهای و روابط  
اقتصادی ، نظامی ، سیاسی  
فرهنگی از امپریالیسم  
و محاکمه و مجازات جاسوسان  
آمریکائی پافشاری نمود .



برای غلبه بر امپریالیسم

این اعمال ارتجاعی و ضد خلقی نمی تواند خود سرانه باشد و  
نبوده و ما نمونه این اعمال را در شهرهای دیگر نیز داشته ایم .  
این اعمال ارتجاعی لکه تنگی است برداشتن جمهوری اسلامی  
که هر روز خود را به لبه پرتگاه نزدیکتر میکند . روزی فرا خواهد  
رسید که خلق ایران یکپارچه جواب این نجات و حشیانه را  
بدهد .  
ما این اعمال ارتجاعی را محکوم کرده و بار دیگر  
خواستار آزادی زندانیان سیاسی چه آنها که در گذشته دستگیر  
شده اند و چه آنها که در تاریخ ۵۹/۳/۴ دستگیر شده اند هستیم .  
هر روان راه حقیقت - تنگن  
هواداران اتحادیه کمیته های ایران - ۱۳۵۹/۳/۵

بقیه از صفحه ۸

## خسروخان قشقایی نماینده مردم اقلید نیست!

خسروخان جوانین اجحاف گرضدا انقلابی، ریشه آنها را یکی از عوامل کودتای آمریکائی نیز هستند برکنند. اما معلوم بود که از این دولت و سران آن نمی توان انتظار چنین کاری را داشت، چه آنها دست در دست این عناصر بر علیه دهقانان و عشایر مستعبدیده حرکت کرده اند. بدنیال بستن راه فیروزآباد - شیراز، استان دارفارس، آقای محمدنسی حبیبی در مصاحبه اعلام میکنند که "اگر راه بندان به ایسل قشقایی مربوط نیست به ما اعلام نمایند و در غیر این صورت اگر این وابستگی هست از راه مذاکره حل شود" و "در صورتی که این افراد وابسته به ایسل قشقایی نباشند مسلما دولت اجازه نمی دهد راه توسط هر کسی بسته شود." (کیهان، ۱۸ خرداد ۵۹).

حضرت مالک بزرگ و روز گووگار تگری چون خسروخان قشقایی در این مجلس و حمایت نیروهای بسوزوآزی ملی ولیبرال و همچنین عناصر مرتجع چون مدنی از وی و دفاع از چنین عنصری، خود بخود، ارتباط میان این محافل را نشان داده به عشایر مستعبدیده و زحمتکش قشقایی و همچنین دهقانان محروم فارس، که سالهاست زیر یوغ سران مرتجع عشایر و بزرگ مالکان رنج میبرند نشان میدهد که با چه کسانی طرف هستند. ما از مدتها قبل درباره خسروخان و ناصر خان قشقایی و توطئه های ضد انقلابی آنها هشدار داده بودیم در موارد متعددی اخطار کردیم که ایادی این سران ضد انقلابی، مسلح بوده، دستجات مسلح قشودالی برای انداختن دولت اگر میخواهد کسی را خلع سلاح کند، باید به این قبیل دستجات توجه نماید و

خسروخان قشقایی، یکی از مالکان بزرگ و زورگوی فارس و یکی از

## شوراهای کارگری تحت حمله

### (ماشین سازی تبریز)

شوراهای کارگری که از دل مبارزات کارگران بر علیه امیرالایسم و ارتجاع محمد رضا شاهی بوجود آمده اند و یکی اردستان و ردهای انقلاب مردم ما میباشند، شدیداً از طرف سازشکاران و مرتجعین تکیه زده بر قدرت تحت حمله قرار گرفته اند. مادر شماره های پیشین "حقیقت" به نمونه های متعددی اشاره کرده ایم. در زیر به موردی دیگر - ماشین سازی تبریز - اشاره میکنیم. کارگران آگاه میبایستی هوشیارانه راهها و شیوه های گوناگونی که تحت لوای "اسلام" و "امنیت" و "افزایش تولید" ... برای از بین بردن شوراها استفاده میکنند، شناخته و با آنها مقابله کنند. دفاع و حفظ شوراها واقعی کارگری، از وظایف مهم کارگران و جنبش کارگری در دوران کوسی است. کارگران مبارز نباید اجازه دهند این سگرمسار و دفاع از حقوق کارگری را از آنان بربایند!

\* \* \*

در کارخانه ماشین سازی تبریز نیز با بهانه های فراوان دست به انحلال شورا و اخراج نمایندگان کارگران و اعضای شورا زدند.

کارگران ماشین سازی تبریز، پس از تحمیل خود برای دریافت سود ویژه و عیدی، بدعوت شورا در مجمع عمومی به تاریخ ۵۹/۲/۹ شرکت کردند و علل و موانع پیشرفت کار را بررسی کردند. یکی از نکاتی که بیرونی آن دست گذاردند "نیروی ویژه" ای بود که در درون کارخانه میباشند. در این میان عده ای فالانز به همراه عده ای فریب خورده دست به اغتشاش زدند و شورا را عامل بازدارنده تولید و ضد اسلام می خواندند. به همین بهانه پای نماینده استاندار و نماینده امام جمعه تبریز (آیت الله مدنی) به کارخانه باز شد و پس از صحنه سازیها و سخنرانی بی موردی درباره "جنگ اسلام و کفار" انحلال شورا را اعلام نمودند که با مخالفت جدی و آشکار اکثریت کارگران روبرو شد و آنها با شعار "بیامظالقانی نهادت است و شورا" این توطئه را خنثی کردند. اما توطئه کاران ساکت ننشستند.

در روز ۵۹/۲/۱۲ ابوالفضل موسوی، نماینده تبریز در مجلس خبرگان، به کارخانه آمده و پس از سخنرانی اعلام داشت که اگر شورا دوباره تشکیل شود و اسلامی نباشد، شورا را منحل خواهد کرد. او بی شرمانه شورا را به انحلال در تولید و طرفداری از امیرالایسم منتهم کرد!!

(بعده در صفحه ۹)

آمدها و رهنمای زیادی



# با سر نوشت مردم افغانستان

## معامله نمی شود کرد

رژیم های مرتجع و آمریکائی و همچنین نیروهای وابسته به شوروی در آن عضویت دارند و آقای سطلی منافع آنها را نمایندگی میکند، خودش ابزاری است جهت انقیاد ملت های بیخاسته جهان، آن وقت رئیس این چنین مجمعی چگونه میتواند به سود مردم انقلابی و اسیر افغانستان کاری انجام دهد.

مساله روشن است، مردم انقلابی افغانستان یک راه افتخار آمیز بیشتر در برابر ندارند و آن ادامه مبارزه مسلحانه تا بیرون ریختن متجاوزین روسی و رژیم سرسپرده بیکر کا رمل است و هرکس که بخواد هد راه دیگری در برابر این انقلاب رها نمی بخش قرار دهد، محکوم به شکست و ناپا بودی است. \*

خلق بیخاسته آنرا محکوم مینماید، بر سر سر نوشت مردم افغانستان معامله نمیتوان کرد و هرکس که به هر عنوانی دست به چنین کاری بزند صرفا دشمنی خود را با این مردم نشان داده، به همگان اعلام کرده است که در مسیر منافع ابر قدرت ها حرکت مینماید، رژیم مرتجع پاکستان که وزیر سرسپرده اش میخواهد نقش " میانجی " را ایفاء کند، خودش به مردم پاکستان بدهکار است و انقلاب مردم پاکستان می رود تا این رژیم مرتجع را بزرگ کند، آنوقت چنین کسانی که آمریکائی بودنشان از اسمشان هم حتی پیداست چگونه میخواهند به نفع مردم افغانستان کاری انجام دهند، "کنفرانس اسلامی" که جمع کنیگری از

اما قطب زاده کنفرانس مشابه دیگری را با شرکت آقایان هادی وزیر مورخا رجه رژیم آمریکائی پاکستان خودش و حبیب سطلی رئیس کنفرانس اسلامی، به همین منظور تشکیل داده است و میکوشد تا مسیر جنبش انقلابی افغانستان را به مجرای کوروسا زشکارانه منحرف گرداند. منافس انقلابی خلق بیخاسته افغانستان با این قبیل کنفرانس ها و نیروهای شرکت کننده در آن هیچ سارکار نبوده و ما بهمراه این

جندی قبل قطب زاده اعلام کرده بود که میخواهد کنفرانسی از نمایندگان کشورهای پاکستان، ایران، شوروی، چین افغانستان، آمریکا، چین، برای "حل مساله افغانستان" تشکیل دهد. ما در زمان اعلان این خبر، کفسم که اس کنفرانس و کنفرانس ها نمی آید و بر علیه منافع انقلابی خلق مساحسه افغانستان بوده و سود و او بر مدرب آمریکا و شوروی عمل می نماید. این حس کنفرانسی سرکرف،

## حمله چماق داران

### به مجاهدین خلق

محل به این موضوع و در حواست بار زدن "پمپ بریس"!! "بها ته" "ها مهم نسند، آنچه که مهم است نفس این بورس ها و سیاست چماق داران، ضد انقلابی و فاسیسی است که منظور و مقصودش قطع و قطع نیروهای انقلابی است، مهم آنست که از "نفس بردن" نیروهای انقلابی برای دارودسته، سر و عه جی و صدا انقلابی حزب جمهوری اسلامی از طریق این حرکت های فاسیستی تردیان رسدن قدرت مطلقه گردیده است، مهم آنست که در پشت این حرکت های چماق داران، سر و عه جی و صدا انقلابی و فاسیسی ترین سکان امبرالسم و ارجاع عرصه، ناحب و بار با فاسه و صدر مدسفع آنها سام می کردد، از این رو همه نیروهای سر و عه جی، آزاد خواه و انقلابی

روز ۱۹ خرداد ۱۳۵۹، عناصر و نیروهای ارتجاعی در لباس چماق داران، "مردم" و با لاجرم اعطای کمته به یکی از اخص های همواداران سازمان مجاهدین خلق ایران "انجمن مساوی" حمله بردند و طی یک درگیری وسیع "موفق" گردیدند تا یک نفر را کشته و جسد ده نفر را روانه سما رسان کنند. اس حمله و سر و عه جی فاسیسی آنجان رسوا و عثمان بود که رادبولورسون صدا انقلابی و صد مجاهدین سر و عه جی داران دفاعی عمل آورد و ساجارادگان نمود که اعطای کمته بدون احار، فاسیسی وجود سر و عه جی به جس بورس وحی گرانهای رده اند. اس بار "بها ته" حمله عناصر سازمان انقلابی سبب سبب سر و عه جی توسط مجاهدین و طبق معمول اعراض "مردم"

شهادت آخرین مجاهد خلق را به سازمان او خوانده اش تسلیم و تهریک میگوئیم. ما به همراه همه نیروهای مترقی آزاد خواه و انقلابی خواهان حفظ آزادیهای دمکراتیک برخاسته و به کف آمده زدرون انقلاب میبایسیم! \*

اینگونه حملات را شدیداً محکوم کرده و خواهان شناسائی و مجازات سردمداران و سیاست ریزان اصلی این ماجرا میباشند. ما حملات فاسیستی تقریباً روزمره را به مجاهدین خلق ایران و سایر نیروهای انقلابی شدیداً محکوم کرده و

## حقیقت

ارگان اتحادیه  
گمونیستهای ایران  
را بخوانید و پخش کنید

# حقیقت

به نقل از: "نشریه مغان"  
انتشار از: "یاران انقلابی"  
زحمتکشان مغان، شماره ۳

## وضع کشاورزان و کارگران روح کندی و خان بابا کندی از زبان خودشان

خواسته های بحق دهقانان میشود. زحمتکشان مآ موزندکسه باید برای بسرکار آمدن یک حکومت طرفدار زحمتکشان کار و فعالیت کنند و اولین قدم اینکار اتحاد مقدسان در مقابل تمام زورگویان و مرتجعین میباشد.

بیمورد نیست به یک نمونه از زورگوشی ها و تجاوازا و وحشیانه فرها دبیرا می شاره کنیم.  
فرها دبیرا می در زمان سلطنت شوم محمدرضا خا شن رن یک نفر از دهقانان را بنام ابراهیم بزور تمام میکند و این مرد ستم دیده چون دستش بجائی نمی رسد و کسی به فریادش گوش فرامی دهد مدت ۱۵ سال فراری میشود. بعد از سرنگونی بساط سلطنت شاه خا شن، ابراهیم به منطقه بازمی گردد. در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۰ فرها دبیرا می توسط دادگاه انقلابی دستگیر میشود و میخواهند که هر کس شکایتی از این شخص دارد مراجعه نماید. ابراهیم به دادگاه مراجعه میکند و از اینکه زنش "گل نقش" توسط این مرتجع ریبوده شده بود شکایت می کند. اما ادریس داماد فرها دیگ پرونده سازی قلبی میکند که ابراهیم املا فرها درانمی شناسد و دستها است که مقدار ریبیشتر از ۱۸ هزار تومان مهرشده میدهند که شکایت شاکمی مورد قبول قرار نگید. در نتیجه ابراهیم که برای دادخواهی رفته بود با تهدید و رعبا مجبور میشود که شکایتش را پس بگیرد. این چنین قصه زوربه ابراهیم در همه منطقه می پیچد و با عصبانیت آنچرا مردم از تمام دست اندرکاران و تمام کسانی میشود که به حق زحمتکشان رسیدگی نمیکنند.  
اما ما زحمتکشان هوشیاریم و دیگر دوستان و دشمنان واقعی خودمان را خوب شناخته ایم و دیگر گول عوام فریبان را نخواهیم خورد.

روح کندی و خان بابا کندی در ۲ فرسنگی بیله سوار قرار گرفته و از توابع آن جاست. این منطقه در دست قشودا لها و سرمایه داران ده بوده و هست و هرچاه این ظالمان از دستشان برمی آید بسرکارگران و دهقانان مظلوم می آورند. خان های بزرگ این دهات عبارت هستند از: عظیم پاشائی، اسما عیسی آقا پاشائی و حمزه پاشائی در روح کندی و فرها دبیرا می و مسعود دبیرا می در خان بابا کندی. اینان چه ظلمها که به مردم این دهات نکرده اند و این افراد از هیچ کس و هیچ چیز ترس و راهمهای نداشته اند چون همیشه دولت طرفدارشان بوده.  
این ظالمان برای گوسفندانشان در حدود ۲۰ خانوار را آواره میکردند و هر کدام دارای بیش از ۱۰۰۰۰ رأس گوسفند میباشند. از آنجا که تمام زمینهای این منطقه توسط این خانهای ظالم تصاحب شده بود و افراد دیگر زمینی برای چرانیدن گوسفندانشان چه در بیلاقی و چه در قلاق پیدا نمی شد، در نتیجه مجبور بودند این خانواده ها برای زمین پیش این خانها کلفتی کرده و همچنین بکار چرانیدن گوسفندان آنها مشغول شوند. مردان برده و روزنان نیز مثال کنیز برای این خانها مجبور بودند شبانه روز کار کنند. در عوض خانها با خسانواده اشان در بهترین مناطق با صفا مشغول خوش گذرانی می بودند.

هر کدام از خانها علاوه بر قلاق دارای در حدود ۱۵۰۰۰ هکتار زمین بودند ولی بعد از قیام بهمن ماه ۵۷ و سرنگون شدن حکومت دیکتاتور محمدرضا خا شن، این افراد با طار تریا - طار تان با با و اکیهای اردبیل مجبور به فرار میشوند اما زمینها همچنان در دست چوپانان باقی میماند و در هنگام برداشت محصول خانها بطور فراری به ده رومی آورند و محصولات این زمینها را فروخته و دوباره متواری می شوند. اما بعد از انقلاب روشنفکران ده مرتب به این خانواده های مظلوم و بی گناه می گفتند که دیگر این زالموفتان رفتند و شما ها زمینها را خودتان تصاحب کنید. اما جواب دهقانان ستم دیده از روی نا آگاهی این بود که ما رگزیده از ریبان سیاه و سفید می ترسید!

اما با لاشه ساکنان ستم دیده زجان بلب رسیده روح کندی و خان بابا کندی به جان آمدند و بر علیه خانهای خون خوار قیام کردند. خانها می که فرار کرده بودند جا سوسهائی در مجل باقی گذاشته بودند که مرتباً برای آنها از وضع ده گزارش تهیه کرده و برایشان می فرستادند که فلان کارگرویا فلان کس بر علیه شما تبلیغ میکند.

این جاسوسان تا آنجا که اطلاع داریم عیار رتنند از عمل گنا گنا ورزی که خود دارای بیش از ۳۰۰ هکتار زمین بسک تراکتور و یک کسباین است - اسمران کنا ورز - حاج خا ن اوغلان شاددل که دارای زندگی مرفه نیمه سرمایه داری می باشد. اینها همه از طرف فرها دو محمود دبیرا می در خان بابا کندی انتخاب شده بودند. از روح کندی نیز از طرف عظیم پاشائی و سایر افراد آن سواد آزاد مرد و علی عمادی و چند نفر دیگر برای کار خا شنانه خبرچینی انتخاب شده بودند.

در ضمن از زمین ساکنان خان بابا کندی در حدود ۹۰ خوشه زمین بی زمین بی زمین می باشند. این خوش نشینان و دهقانیان کم زمین با تحمل هزاران هزار سختی و زحمت بذر تهیه کرده، تراکتور گرایه میبندند و شروع به کاشتن زمینهای غصب شده از خانها می نمایند. اما این جاسوسان خود فروش با هزاران حیل و فریب دست به کار میشوند و با لاشه راهی پاس دار خانها به پاس آباد گرمی و همچنین دست بدما مان فرماندار مغان میشوند و با سداران و خلاف تمام ادعاها ایشان جلوس می کنند و کار این دهقانان ستم دیده را میگیرند و آنان را بسا اسلحه از زمین بیرون میکنند. اکنون در اطراف این زمینها از طرف پاسداران جا در کار گذاری شده و این زمینها محافظت میشود. بنابراین دولت جمهوری اسلامی بموضع حمایت از دهقانان ستم دیده و محروم به حمایت از زمینداران بزرگ و افراد مریع می پردازد و این امر خشم شدید مردم این دهات را برانگیخته و همه اکنون آگاه شده اند که هیئت جا که، فعلی نیز برخلاف تمام تبلیغات پرسرو صدایش طرفدار زحمتکشان نبوده بلکه طرفدار سرمایه داران و زمینداران بزرگ می باشد و هنوز که سورا سورا می ها و پاشائی ها نفوذشان باعث سرکوب

## برای غلبه بر امپریالیسم توطئه های ضد انقلابی را افشاکنیم!

بدستان دستگیری رعبا، رهبر - ابراهیم - علی خانی نیک فرجام بوسیله سیا به پاسداران خانواده های این رعبا به خاطر اعتراض به دستگیری و زندانی کردن فرزندان خود دست به یک تحمن زده و خواستار آزادی فرزندان خود بوده اند که عده ای از مردم شهر نیز به پشتیبانی از خانواده ها در تحصن شرکت کرده بودند. تحمن ابتدا بصورت راهبمائی از جلوفر - مانداری شروع شد و در جلوی دادگاه انقلاب بعنوان اعتراض نسبت به این اعمال تحمن کردند. سپس گروهها این اعمال ضد خلقی هیئت جا که را که زنجیر و اربهم مرتبط هستند محکوم کردند.

بعد از ظهر روز ۵۹/۳/۲ (همناروز) تصمیم بر آن شد که چندین از خانواده های زندانیان بعنوان نماینده به داخل دادگاه بروند که مورد قبول مسئولان نشد و اعلام کردند که باید همه افراد متحصن برای قبول نماینده امضاء بدهند. رعبا مشغول امضاء کردن بودند که عده ای البته کارگرویان مانع انجام این عمل گشتند. لازم به توضیح است که مسا حد شهرهای اطراف اعلام میگردند که: ضد انقلاب به دادگاه انقلاب تنگنا بن حمله کرده و برادران و خواهران هر چه زود تر در اینجا جمع شوند. در صورتی که اطلاعهای در کار ریبوده است.

مردمی که بوسیله مسا حد شهرهای اطراف به آنجا آمده بودند به راه جماعت بدستان بدستور نصرتی حاکم شرع قبلی تنگنا بن حمله را شروع کردند. در دست حمله کنندگان از جوب و جماعت گرفته تا جابو، پنجه بکس، قمه و دیگر وسایل ضرب و شتم به چشم میخورد و حتی در کمربعضی از افراد حمله کننده کلت نیز دیده شده است. در این گیر و دار سیا به پاسداران که ادعای بی طرفی میکرد و اعلام کرده بود که کاری نخواهد کرد بیکار رنشت و آنها نیز مشغول سرکوبی رقبای متحصن بودند که پاسداری به نام یوسف یوسفی با مشت و لگد به یکی از رعبا حمله کرده و تا پای سرگ اورا زده و سپس دستگیرش میکند. در این حمله وحشیانه که عده ای از مردم نا آگاه نیز شرکت داشتند تا آنجا که ما اطلاع داریم تقریباً ۱۵ نفر دستگیر و عده ای نیز مجروح گشتند که از آنها خبری در دست نیست (بقیه در صفحه ۵)



## جاودان باد خاطره...

سه رجب ۱۳۰۰

رادربادگان شاه  
آبها دگفراند و در نیمه  
راه از بادگان فرار

کرد و تعدادی از دوستانش را نیز به فرار واداشت تا اینکه بعدا معافی گرفت و به سنندج برگشت و به اداره یک دکمه کتاب و روزنامه فروشی در سه راه شهرداری سنندج پرداخت و از این طریق با پخش کتب و نشریات از زمانهای مرفقی به هم خود در بالا بردن آگامی همشهریانش کوشا بود.

کاک نادرا زمان زمان مبارزه بر علیه رژیم پهلوی به فعالیت مشغول شد و در حالیکه در مکانیکی کار میکرد، همراه با دیگر بچه های محل شبها با چوب و چماق نگهبانی میداد و در دوران خفقان میان جوانان محل مخفیانه کتاب پخش میکرد و همواره کارگران در تقسیم نفع فعالیت بود. کاک نادرا در تحصین یکماهه مردم قهرمان سنندج فعال بود و در تقسیم مواد غذایی نقش بسزایی ایفاء نمود. در جریان ایجاد بنکها کاک نادرا نقش فعال ایفاء نمود و در بنکها تا از با فعالیت سازماندهی مینمود و در آموزش سیاسی و نظامی جوانان محل و همچنین انجام سایر مسئولیتهای بنکها فعال بود.

رفیق شهید کاک نادرا خدا مراد پور در راه خدمت به زحمتکشان از مرگ هراس نداشت و در زیر آتش مرگبار مسلسل و خمپاره به سنگرها غذا، فشنگ و دیگر وسایل را می رساند و چندین بار برای نجات همزمان

زخمی اش تا دم مرگ بی رفت . فعالیت و از خودگذشتگی نادربه حدی بود که همزمانش در بنکها برای و کتاب هولوئی تشکیلات ( عقاب تشکیلات ) را گذاشته بودند و حقا " که او چون عقابی بلند پرواز بود و عاقبت نیز تیر سوخت به فتح بلندترین قلعه شجاعت و افتخار ، قلعه شهادت در راه زحمتکشان دست یابد و برای همیشه در کنار سایر شهیدان خلق جاودانه گردد . مادر شهید پس از شهادت مادر گفت ، " ما مردم زحمت کشی هستیم و چیزی نداریم به مردم بدهیم جز خونمان . پس خونمان را میدهیم تا زحمتکشان آزاد شوند و زحمت کشان سنندج با از دست دادن رفیق نادرا ، یکی از گنجینه های ارزشمند خود را انتشار انقلاب کردند . شک نیست که از همین خونها نهال آزادی و استقلال سربلندی خواهد داشت و تشویند و قدرتمند خواهد شد . ما ضمن عرض تسلیت به خانواده ، داغدار و رفیق شهیدمان ، بار دیگر عهد خود را در ادامه مبارزه تا پیروزی نهایی انقلاب بنا خانواده ، خدا مراد پور و همه مردم سنندج تجدید میکنیم و یاد این رفیق شهید را گرامی میداریم . راهش سربلند و سوبنده باد . \*

### شوراهای کارگری

(بقیه از صفحه ۶)

در کارخانه صورت گرفت ( آیت الله سید حسین موسوی رئیس دادگاه انقلاب با شخصی بنام میرزایی که خود را سما بنده پاکسازی استان معرفی میکرد و سخنرانی های بی ربطی در مورد " انقلاب فرهنگی " و ... نمود و منظور از همه اینکارها با اصطلاح آماده سازی جو برای " پاکسازی " عنا صرمبارز شوراب بود . کارگران در این دوران متاسفانه به خوبی رهبری نشده و در حالت دفاعی بسر میبردند .

بالاخره در روز چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت ، گروهی بنام " هیات پاکسازی " به کارگاهها آمده و با اصطلاح شروع به نظرخواهی کردند . کارگران در مقابل آنها بشدت موضع گیری کرده و میگفتند نمایندگان کارگران باید در پاکسازی شرکت داشته باشند . در همان وقت که " هیات پاکسازی " از کارگران با اصطلاح نظرخواهی میکرد ، بلندگوی کارخانه اسامی تمثیلندگان را که تا جوانمردانه عدای از کارگران و کارکنان مبارز را در کنار عده ای بدنام و بی دینیت قرار داده بودند اعلام میکند . این حرکت خشم کارگران را باعث شد و در کارگاهها اجتماع کرده و از " هیات پاکسازی " تقلبی سخنی انتقاد میکردند . متاسفانه روز پنجشنبه و جمعه تعطیل بود .

روز شنبه کارگران بخش تولید و آموزشگاه دسته دسته جمع شده و از آغاز کار خودداری کردند و منتظر حرکت آگاهان و فعالی برای خنثی کردن این توطئه بودند . متاسفانه برخی نیروهای سیاسی محافظه کارانه این خشم کارگران را ندیده و فقط به جمع آوری امضای اعتراض اکتفا ورزیدند ( یکی از نیروهای سیاسی نیز به نوشتن نامه به بنی صدر متقدم بود !! ) و عملا کاری از پیش نرفت .

بعد از این جریان شایعات زیادی در کارخانه پخش شد منظور آنکه از اعتراض فعال کارگران جلوگیری کنند از قبیل اینکه " اگر اعتصاب شود ، در کارخانه را می بندند " و ... پاسداران به درون کارخانه آمده و اعلام میکردند که پرونده این عده ( کارگران اخراجی ) در دست تکمیل است و بنفیه اسامی بزودی اعلام میشود ولی هنوز هیچ خبری نشده است .

\*\*\*

کارگران مبارزان آگاهانه از شوراهای واقعی خود و نمایندگان مبارزان دفاع کنید . اجازه ندهید تا صفوف شما تفرقه بیفکنند و به پهنای مختلف اتحاد شکل شما را از زمین بریندکند از این طریق فقط و فقط شما هستید که سر کرده و استعمار وستم بر شما دوچندان خواهند شد ! \*

**کمکهای مالی**  
**خود را بهر طریق**  
**ممکن ارسال کنید**

در تکثیر و پخش  
**حقیقت**  
ما را یاری دهید

## نکاتی درباره

بودجه ۱۳۵۹

بقیه از صفحه ۱۱

به "عمران روستاها" و "بازسازی" صنایع ورشکسته اختصاص یابد. اقتصاد ایران فقط با تغییرات بنیادی در مناسبات اجتماعی - اقتصادی موجود قابل شکوفا شدن است و آن راهش جز با داغان کردن روابط جان سخت بزرگ مالکی برزمین، قطع همه وابستگی های اقتصادی مپریا لیسم و دست شستن از صنایع مونتاژانگلی و پاپی ریزی یک اقتصاد خودکفا و مستقل نخواهد بود. سیاستهای دولت کنونی که خود را در بودجه سال جاری نیز منعکس کرده است نه تنها بهبودی در وضع اقتصاد دیده نمی آورد، بلکه آن را ورشکسته تر نیز خواهد کرد!

پایان

### در حاشیه

## گرانی و نایابی سیگارهای داخلی

هما نظر که در مقاله "نکاتی درباره بودجه ۱۳۵۹" (۱) گفتیم یکی از منافع نامین بودجه درآمد مالیاتی می باشد که اساسا بطور غیر مستقیم و با بستن مالیات بر اجناس و کالاهای مورد احتیاج روزمره چون بنزین و... بدست می آید. ما در همان مقاله گفتیم که با یستی منتظرا افزایش این نوع مالیاتها بود و دولت میتوانسته تا از این طریق "درآمد" خود را بیا فزاید.

این پیش بینی ما درست از آب درآمد. دولت در ۱۷ خرداد جاری اعلام کرد که قیمت سیگار داخلی ۱۰۰ درصد افزایش

یافته است. "هنریخس، مدیرعامل شرکت دخانیات" با خندا فراس قیمت سیگار به دو برابر قیمت رسمی آن در شورای انقلاب قبول کرده است که صددرصد قیمت آن را به عنوان مالیات بر خریداران و مصرف کنندگان سنگین دریافت شود و شرکت دخانیات موظف است این درآمدهای مستقیم را به خزانه دولت واریز کند (با مادام ۱۸ خرداد) با توجه به تولید ۵۷ میلیون نخ سیگار در روز، و با توجه به قیمت های جدید و قدیم، با یک حساب سراسری دولت در سال آینده حدود ۲۰ میلیارد ریال از طریق مالیات بر دخانیات درآمد خواهد داشت. این یک نکته!

**اما نکته دوم -** آقای هنریخس در عین حال "راز نایابی تقریبا مطلق سیگار داخلی در ۳-۲ هفتاد و سه و هشتاد و سه قیمت آنها تا ۴-۳ برابر قیمت رسمی در بازار سیاه را سر به این ترتیب برملا ساخت. بطوریکه هنریخس در مباحثه تلویزیونی خود اظهار کرد، دخانیات تولیدات خود را در اختیار ۲۵۰ دلال (بقول وی "پخش کننده") قرار داده و بدین ترتیب سرنوشت توزیع در دست آنها قرار می گیرد. دلالان عمده سیگار (یعنی این ۲۵۰ نفر) که کویا از فرانس صددرصد قیمت سیگار مطلع بودند، بجای پخش سیگارها، آنها را احتکار کرده منتظرا اعلام قیمت های "رسمی" جدید شدند و حالا سیگارها را به بازار روانه میکنند. با این ترتیب ایس حضرات در عرض همین دو سه هفته نزدیک به ۱۰۰ میلیون تومان بطور "رسمی" و "قانونی" جیب مردم زحمتکش را بریده اند. بنا بر این در کنار دولت، دلالان نیز در آمد سرشاری از این افزایش صددرصد قیمت ها داشته و دارند. و ایس "راز" نایابی تقریبا مطلق سیگارهای داخلی بوده و هست. ناگفته پیداست که نرخ جدید رسمی سیگار که هر بسته ای بیش از ۵ تومان نیست، شوخی است و مطمئنا سیگار داخلی، با وجود این دلالان طماع که بدون شک در رابطه با دولتیان فاسد هستند، به قیمت های گزاف تر بفروش خواهد رسید.

## بنی صدر، چماقداری

بقیه از صفحه ۳

جنایات و خیانت ها ایشان بر سرند. آزادیهای دموکراتیک آزادیهای مطبوعات، و مرتجعین برای نابودی شوراها و کارگری پرده برداشته است. ما به کارگران مبارز برای پیرویشان در ایس مبارزه مشخص تبریک میگوئیم. به علت اهمیت این مبارزه، ما بزودی گزارش مفصل و دقیقی از این کنگره، توسط طنه های متعدد بکار برده شده در آن را با اطلاع خوانندگان عزیز رسانده و به بررسی و تجزیه و تحلیل خواهیم پرداخت.

## برگزاری پیروزمندکنگره... بقیه از صفحه ۱۲

مستعار!! و بنام "نمایندگان" کارگران ماشین سازی تبریز توطئه های وسیعی را برای از هم پاشیدن این کنگره بطور خاص، و برهم زدن "اتحادیه شوراها... بطور عام طرح ریزی کرده بودند. در طول کنگره ایس "نمایندگان" سریری بلوانی در جلسه سه راه اسدا حسد و پاپی با سداران و کمیسه را بمیان کشیدند. به دستور صدر، عده ای از کارگران نماینده دستگیر شده و به اوین فرستاده شدند، با رهم بدستور او و بدست کمیته منطقه ۱، در اتحادیه در ساختمان سازمان گسترش صنایع لاک و مپهر گردید و... ولی در اثر مبارزه قاطع و متحدانه کلیه نمایندگان شرکت کننده همه این توطئه های یکی پس از دیگری با شکست مواجه گردید و کنگره با صدور قطعنامه، پایانی کار خود را به پایان رساند.

این توطئه های رنگ و رنگ ویی در پی به بهترین شکل از سیاست سازشکاران

عقیده، بیان، تشکل و سازمان دهی باید حفظ شده و گسترش یابند... اینها رئوس یک سیاست ویرانه، انقلابی برای پیشبرد انقلاب و از بین بردن زمینه های بازگشت کامل ارتجاع و امپریالیسم می باشند. بنی صدر در مورد این مطالب حیاتی نظری نداشته است و در حقیقت در بسیاری از موارد بلا (و حتی همه موارد بلا) در جهت ضد انقلابی کام می بردارد. از کودتا و تدارک کودتا بسا شیرین زبانی و کوشش برای جلب نیروهای مترقی و انقلابی (که بعضا گرا پیشات رویونیستی و راست روانه درون این نیروها نیز به گویا ششای بنی صدر می دهد) در یک حرکت سازشکارانه، نمی توان جلوگیری و نتیجه کارها نیست که با "چماقداری" حاصل خواهد شد، حال دیگر مهم نیست که این دیکتاتور "محبوب" است یا "نامحسوب"!!

# نکاتی درباره بودجه

۱۳۵۹

بقیه از صفحه ۱۲

(۳)

هزینه‌های سایر امور: به پرداخت و امثالها و بهره‌آنها، جها دسا زندگی و اعتبارات دستگاه‌های اجرائی محلی را که بیشترین رقم این بخش را بخود اختصاص میدهد ( ۵۳۱/۸۲۲ - میلیاردریال ) اختصاص داده شده است .

بر اساس ارقام بالا ، دولت " انقلابی " جمهوری اسلامی ، بیشترین رقم بودجه را به تنهایی اختصاص به ارتش داده است ( ۲۷۶/۸۰۰ میلیاردریال ) و این یادآور دوران گذشته برای ما میباشد ، ارتش شاه پرست که تا کنون هیچ کاری جز ضدیت با انقلاب مردم ایران نکرده است ، بخرچ ملت ایران و بدست دولت پرورده میشود تا برای کودتای ولگدمال ساختن دستاوردهای همین ملت آماده گردد . اگر بودجه مربوط به " حفظ نظم و امنیت داخلی " را نیز به بودجه ارتش بیا فزا - شیم رقمی معادل ۵۱۷/۳۸۵ میلیاردریال بدست می آید که یک قلم ۱۸/۲۳ درصد از کل بودجه را بخود اختصاص میدهد . حال اگر این درصد بزرگ را با درصداختصاصی به خدمات اولیه و اساسی مورد احتیاج مردم مقایسه کنیم ، درمی یابیم که تا چه حد مسئولین " منقلب " ب فکر " مستضعفین " میباشد :

عنوان	میلیاردریال	درصد
ارتش و شهرپانی و ...	۵۱۷/۳۸۵	۱۸/۲۳
آموزش و پرورش	۱۳۹/۱۴۴	۴/۹
بهداشت و درمان و تغذیه	۵۶/۲۲	۱/۹۸
مسکن	۷۵/۱۳۰	۲/۶۵

حتی اگر هزینه کل اموراتجتماعی ( عمرانی و جاری ) = ۲۹۰/۱۰۷ میلیاردریال ) را با بودجه ارتش و شهرپانی و ... مقایسه کنیم می بینیم که با زهم در کل ۴/۵ درصد کمتر از بودجه ارتش و شهرپانی و ... میباشد . دولتی که ۱۸/۲۳٪ از کل بودجه را به بخش‌های سرکوبگری اختصاص میدهد ، بخشهایی که غیر تولیدی کامل بوده و فقط سربا را اجتماع هستند ، ولسی در عوض برای مشکل غول آسا و مزمنی چون مسکن فقط ۲/۶۵٪ بودجه را اختصاص میدهد ، دولتی که برای مسالدا اجتماع عسی مهمی چون بهداشت مردم فقط نزدیک ۲٪ از کل بودجه و در عوض برای ارتش و شهرپانی و ژاندارمری از دوران طاشغوت باقیمانده ۱۸/۲۳٪ و ... اختصاص میدهد و نگاه خود را حاسمی " مستضعفین " نیز مینماید !!

\*\*\*

بحث درباره بودجه را بهمین جا خاتمه میدهم . بودجه سال جاری نه تنها دردی از دردهای مردم را حل نمی کند و در جهت رفع مشکلات عدیده اقتصاد قدیمی بر نمی دارد ، بلکه بحران اقتصادی را تشدید کرده و فشار روز افزون بر زحمتکشان را تشدید میکند . راه حل اقتصاد ایران از درون بودجه‌های این چنینی بدر نخواهد آمد ، حتی اگر میلیاردها ریال دیگر بقیه در صفحه ۱۰

نداسه و فقط یک دسته انکل اجتماعی بجا رویا زرکانشان دلال صفت و وابسته را بر سر آخته و فساد عظیم و طاقت فرسائی را بر دوش طبقه کارگر و سایر زحمتکشان وارد خواهد آورد . مادر اس شماره ، به چگونگی تقسیم بودجه مختصرا اشاره میکنیم و بحث را پایان میدهم .

\*\*\*

بودجه ۲۸۳۷/۹ میلیاردریالی به گونه زیر تقسیم می -

شود :

عنوان	جمع کل هر سه های جاری و عمرانی (میلیاردریال)	درصد
امور عمومی	۲۷۴/۸۳۹	۹/۷
امور دفاعی	۲۷۷/۱۶۵	۱۳/۲
امور اجتماعی	۳۹۰/۱۰۷	۱۳/۸
امور اقتصادی	۹۶۷/۷۷۷	۳۴/۱
سایر امور	۸۲۸/۰۱۲	۲۹/۱
جمع	۲۸۳۷/۹	۱۰۰

امور عمومی : اساسا هزینه‌های اداری کلی چرخاندن بوروکراسی را تامین می نماید و مهم ترین رقم آن مربوط به بودجه " حفظ نظم و امنیت داخلی کشور " که شامل شهرپانی ، ژاندارمری و احیاناً کمیته‌ها و سپاه پاسداران خواهد شد و معادل ۱۴۰/۲۰۲ میلیاردریال است .

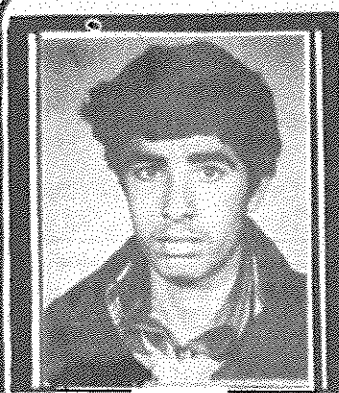
امور دفاعی : اساسا بودجه دفاع نظامی ( ارتش ) است که ۳۷۶/۸۰۰ میلیاردریال می باشد .

امور اجتماعی : شامل بودجه همه بخش‌های خدمات دولتی میگردد . ( آموزش و پرورش ، فرهنگ و هنر ، بهداشت و درمان و تغذیه ، تامین و رفاه اجتماع ، تربیت بدنی و پیناهنگی ، عمران شهرها ، عمران و سوسازی روستاها ، مسکن ، حفظ محیط زیست ، عملیات چند منظوره توسعه نواحی ) چنان که مشاهده میشود این بخش با زندگی روزمره و احتیاجات حیات سی مردم در بخش خدمات ارفقیل آموزش و بهداشت و مسکن سرو کار دارد . اقلام مهم این بخش عبارتند از ( جمع هزینه‌های عمرانی و جاری ) :

آموزش و پرورش	۱۳۹/۴۴۴	میلیاردریال	۴/۹ درصد کل
بهداشت و درمان و تغذیه	۵۶/۲۲۰	"	۱/۹۸
تامین و رفاه اجتماعی	۶۲/۹۵۹	"	۲/۲۱
مسکن	۷۵/۱۳۰	"	۲/۶۵
عمران شهرها	۳۰/۱۷۸	"	۱/۰۶

جمع ۳۶۳/۶۳۱ " " ۱۲/۸۰ درصد کل

اموراتجتماعی : شامل بودجه جاری و عمرانی رشته های کشاورزی و صنعتی چون ، کشاورزی ، توسعه منابع آب ، برق ، معادن نفت و ... را در بر می گیرد و بیشترین بودجه عمرانی را بخود اختصاص داده است ( ۶۷۱/۵۵۲ میلیاردریال )



★  
**جاودان باد  
خاطره رفیق شهید**

# کاک نادر خدا مراد پور

## پیشمرگه زحمتکشان

مهاجم ارتشی و پاسداران به شهادت رسید و خون پاکش بر سنگرش های این شهر قهرمان جاودانه نقش بست .

کاک نادر سال ۱۳۳۸ در خانواده ای زحمتکش در شهر سنندج چشم جهان گشود و در تمام طول زندگی کوتاه اما پربارش، مزه تلخ فقر و رنج را کشید. پدرش کارگر حمام بود و خودش نیز در تمام طول زندگی اش بسختی کار میکرد و گاه

تولد ۱۳۳۸ سنندج  
شهادت ۱۳۵۹ سنندج

شاگرد مکانیک بود و در تعمیرگاه دوچرخه سازی کار میکرد و گاه بعنوان کارگر ساختمانی زحمت میکشید و بعضی اوقات نیز به پدرش کمک مینمودند. از بار سنگین برداشتن خانواده اش بکاهند، از اینرو فرصت درس خواندن نداشت و به همین دلیل در کلاس دوم راهنمایی از مدرسه اخراجش کردند. او و برپاسازی

در تاریخ ۱۹ اردی بهست ۱۳۵۹، رفیق نادر خدا - مراد پور عضو فعال "تشکیلات پیشمرگه های زحمتکشان" در شهر سنندج بدست نیروهای

# نکاتی درباره بودجه ۱۳۵۹ (۳)

مادر شماره های پیشین بطور اختصار درباره برخی از جوانب اصلی بودجه ۱۳۵۹ و تاثیرات آن بر بحران عمیق اقتصادی موجود در جامعه و برخی تاثیرات اجتماعی آن صحبت کردیم. ما گفتمیم که هنوز منبع اصلی تا همین بودجه در آمدن نفت می باشد و سهمها خوش بینی بسیار زیاد. (ما توضیح دادیم که در ۱۶۴۴ میلیون ریالی از صادرات نفتی با احتساب ۲ میلیون بشکه در روز پیش بینی شده است، در صورتیکه صادرات ایران بیش از ۱/۲۵ میلیون بشکه در روز نیست. اما روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۵۹/۲/۱۲ از قول همین فر، وزیر نفت، گزارش داده است که صادرات نفت فقط ۸۰۰ هزار بشکه در روز است. بنا بر این نه تنها گفته مادر درباره کسری فزاینده بودجه درست میباشد، بلکه پیشتر آنچه که تصور میکردیم خواهد بود. ما هم چنین گفتیم که تکیه بر درآمد نفت برای تامین بودجه با ترکیبی که بودجه دارد، همچنان اقتصاد ایران را یک اقتصاد تک پایه و وابسته نگه داشته و به رشد تورم و تشدید بحران اقتصادی کمک خواهد نمود. این درآمد نفت نه در جهت پایه ریزی یک اقتصاد مستقل و متکی بخود، بلکه بالعکس و مانند گذشته با در جهت رفع احتیاجات بوروکراسی دولتی و تامین منابع ارزی برای واردات عظیم ایران به مصرف خواهد رسید که نتیجه ای جز نا بودی بیشتر اقتصاد ایران بقیه در صفحه ۱۱

## برگزاری پیروزمندان کنگره اتحادیه شوراهای سازمان گسترش صنایع

در هفته گذشته اتحادیه شوراهای سازمان گسترش صنایع، کنگره خود را در میان جوتوئه آ میزعلیه آن بسا موفقیت بیایان رساند و همه توطئه های مدیریت سازمان گسترش صنایع و فالیانتهای جمهوری اسلامی را عقیم گذارد.

در این کنگره از ۳۱ شورای کارخانجات وابسته به سازمان گسترش صنایع بیش از ۱۵۰ نماینده شرکت کرده بودند. مدیریت سازمان گسترش صنایع و بطور مشخص آقای صدر مدیرعامل این سازمان به همراهی عده ای فالیانته با اسم بقیه در صفحه ۱۰

**حمله چماق داران به  
مجاهدین خلق**